

بدون بیننده پر کند. واقعا انجام چنین کاری هنر بسیار زیادی می‌خواهد و تعجب می‌کنم که این چه سیاست لجبازانه و عجیب و غریبی است...

**البته از تفاوت فاحشی که بین ویژه برنامه‌های نوروزی امسال و سال گذشته وجود داشت، به نظر می‌رسد که رسانه این سیاست و شیوه را در سال ۱۴۰۳ کنار گذاشته است. در واقع از ابتدای سال ۱۴۰۲ که غیبت چهره‌های مطرح نیز در ویژه برنامه‌های نوروزی تلویزیون کاملا مشهود بود، رسانه ملی ابراز داشت که هرگز به کسی باج نمی‌دهد و همین شیوه موجب حذف خیلی از هنرمندان رسانه‌ای شد. اما در برنامه‌های نوروزی امسال نشان داد که نه تنها سبک و سیاق سال قبل را کنار گذاشته بلکه تا می‌توانست از چهره‌ها استفاده کرد! تا جایی که مجری اغلب این برنامه‌ها، باز یگر مجری بودند. به نظر تان تغییر شیوه رسانه به این شکل کار ساز خواهد بود؟**

سیاست‌های کلی سازمان صداوسیما خصوصا در ده سال گذشته بر این بوده که شخصیت‌هایی را که خودش پرورش داده و افرادی که مورد قبول مردم واقع شده‌اند، کنار بگذارد و دلپیش را هم اصلا متوجه نمی‌شوم. تلویزیون این افراد را از خودش رانده و از دست داده و بعد مجبور شده که هزینه‌های میلیاردری کند و همین‌ها را برای دقایقی روی آنتن صداوسیما برگرداند تا بتواند برای خودش وجهتی بگیرد. در صورتی که این‌ها همان آدم‌هایی بودند که در تلویزیون حضور داشتند و کار می‌کردند. شما با آن‌ها چه کار کرده‌اید که حالا برای این‌ها برگردند و دقایقی از آن‌ها استفاده کنید، مجبورید هزینه‌های بسیار گزافی کنید؟ چه زخمی زده‌اید که حالا برای التیامش آن‌ها فقط برای دقایقی، مجبورید میلیاردها تومان هزینه کنید؟ به نظر من این حتی یک مسکن زودگذر هم نمی‌تواند باشد چون خیلی زود فراموش می‌شود و سیاست بسیار شکست‌خورده‌ای است، سیاست صداوسیما از پایه باید درست شود. این که آدم‌های محبوبی که کارشان را بلدند، مورد اقبال مردم هستند و مخاطبان دوستشان دارند را از دست ندهد، چون وقتی از دست بدهد دیگر برگرداندنشان به این سادگی‌ها نخواهد بود و این چیزی است که ما در طول این سال‌ها در تلویزیون مشاهده کرده‌ایم و این شیوه‌ای که به نظر من حتی یک مسکن سطحی و زودگذر هم نیست؛ به نوعی سر خودشان را کلاه گذاشتن است، یعنی با این کارها فقط خودشان را گول می‌زنند و گویا خودشان هم باورش‌شان می‌شود که توانسته‌اند در این کار موفق شوند. در حالی که اگر از همه آن افرادی که با هزینه‌های میلیاردی آورده‌اند را برای بازی

افراد باتجربه‌تر و سالم‌تر، وقتی می‌بینند که دارند از این قافله عقب می‌مانند، ناخودآگاه وسوسه می‌شوند که آن‌ها هم این‌گونه رفتار کنند و یک حرف این‌چنینی بزنند و آن‌جاست که این رفتار اولویت و ارزش پیدا می‌کند و تبدیل به یک فرهنگ غالب می‌شود که متأسفانه این اتفاق در تلویزیون دارد می‌افتد.

**از دیگر اتفاقات جالب و شاید عجیب صداوسیما در سال ۱۴۰۲ پخش برنامه‌ای با محوریت نقد تلویزیون بود و ما با برنامه تلویزیونی «جام جم»، برای اولین بار شاهد نقد تلویزیون از رسانه ملی بودیم، به نظر شما پخش این برنامه تلویزیونی در سال گذشته به بهبود رسانه ملی کمکی کرد یا خیر؟ به صورت کلی ساخت برنامه‌های این چنینی را چقدر کمک‌کننده می‌دانید؟**

من برنامه تلویزیونی «جام جم» را ندیده‌ام ولی به نظر من صرف چنین برنامه‌هایی کمک چندانی به بهبود رسانه ملی نمی‌کند. نه اینکه تأثیر نداشته باشد، اتفاقا ارائه راهکار می‌کند، اما باید در عمل هم شاهد اتفاق‌های اجرایی باشیم.

**در بین صحبت‌هایتان به افرادی اشاره کردید که صداوسیما در سال‌های گذشته آن‌ها را از خودش دور کرده، اتفاقا در سال ۱۴۰۲ نیز شاهد برکناری بعضی افراد و خداحافظی برخی دیگر از رسانه بودیم که شاید پرسر و صداترین آن‌ها در تابستان این سال، با خداحافظی و بازنشستگی عادل فردوسی پور که بعد از تعطیل شدن برنامه «نود» گزارشیگری را کنار گذاشته و فقط در تلویزیون به تهیه‌کنندگی مشغول بود و برکناری برخی از کارشناسان مدیران شبکه مستند، رخ داد. شما این خداحافظی‌های اجباری و اختیاری را که در سال ۱۴۰۲ بسیار تکرار شد، چگونه می‌بینید؟**

من دلپیش را نمی‌فهمم که چه‌طور ممکن است که یک سازمان مثل سازمان صداوسیما سال‌ها وقت و هزینه صرف کند برای این‌که یک برنامه را به ثمر برساند و پر بیننده کند مثل برنامه «نود»، «دوره‌می»، «خندوانه» و بسیاری از برنامه‌های دیگر و بعد از این‌که آن برنامه مقبولیت پیدا کرد و آن مجری محبوبیت پیدا کرد به یک‌باره همه چیز را کنار بگذارد و برنامه را تعطیل کند. امثالش را هم در سال‌های اخیر زیاد دیده‌ایم که متأسفانه افراد کاردار و کاربلد در حوزه کاری خودشان مثل عادل فردوسی پور در حوزه ورزش و فوتبال، سروش صحت در حوزه ادب و فرهنگ، رامبد جوان در حوزه طنز و سرگرمی و... این‌ها را کنار بگذارد و جای این افراد را با آدم‌های کم‌تجربه و برنامه‌های

**یکی از رویدادهای کم‌نظیر تلویزیون در سال ۱۴۰۲، حجم تابوشکنی‌هایی بود که در برنامه‌های آن دیده شد. برای مثال می‌توان به ویژه برنامه‌های شب یلدای این سال اشاره کرد که به‌طور قطع از پر حاشیه‌ترین برنامه‌های رسانه در طول حتی دهه اخیر بودند. بهره‌گیری اینفلوئنسرهای شبکه‌های مجازی فیلتر شده برای جذب بیننده؛ و ویژگی مشهود و مشترک همه ویژه برنامه‌های یلدا در تمام شبکه‌های رسانه بود. در واقع تلویزیون از هیچ تلاشی برای تماشاچی و جذاب شدن آیت‌های در حال پخش برنامه‌هایش دریغ نکرد، از پخش مصاحبه توسط هوش مصنوعی با رونالدو تا بازخوانی ترانه پیر مردی که چندی پیش صفحه اینستاگرامش به دلیل همان ترانه بسته شده بود. نظر شما در مورد این شیوه از عملکرد صداوسیما چیست؟**

من فکر می‌کنم چیزی که نمودش در فضای مجازی هم وجود دارد، این است که تلویزیون یک تعداد مجری به برنامه‌های خود اضافه کرده که متفاوت از پیشینیان خود هستند. این ویژگی را بسط و گسترش کلی نمی‌دهم. خوب البته این رویکرد با انتقاداتی هم روبه‌رو شده است. گاهی یک سیاست‌هایی می‌گذارند و به یک مواردی ایراد می‌گیرند که همان مسوارد را در برخی از برنامه‌های آنتن زنده رسانه مشاهده می‌کنیم. در حالی که یکرمانی آنتن زنده تلویزیون را به دست هر کسی نمی‌داند، اجرای آن را به فردی می‌دادند که واقعا بتواند به‌عنوان یک امانت‌دار از پس آن برنامه زنده بر بیاید. از طرفی این‌طور به نظر می‌رسد که بین برنامه‌های مختلف و مجری‌های کم‌تجربه و پر حاشیه صداوسیما این مسابقه وجود دارد که چه بگوئیم تا در فضای مجازی به شهرت دست پیدا کنیم؟ تا زمانی که چنین مسابقه‌ای ادامه داشته باشد، ما شاهد این جنجال‌ها و حاشیه‌ها خواهیم بود. شما خودتان اگر در فضای مجازی دنبال کنید هرگز بخش زیبایی از هیچ سریال، مستند و برنامه‌ای را در آن نمی‌بینید بلکه هر چه هست در مورد حواشی مجری برنامه‌هاست... هر چیزی که در فضای مجازی پخش می‌شود صرفاً ارزش مطرح کردن در رسانه ملی یک کشور را ندارد گاهی اوقات حتی روی آنتن اتفاقاتی رخ می‌دهد که واقعا در داور است. برای مثال وقتی آهنگ شار جان، آن آهنگ زیبای خراسانی را روی آنتن تلویزیون مسخره کردند به‌نظر من دردناک بود یا زمانی که در یکی از برنامه‌های شب‌عید امسال، یکی از تصنیف‌های استاد شجریان را به تمسخر گرفتند. نمی‌دانم از چه عنوانی برای شوخی کردن با چنین چیزهایی استفاده کنم، نمی‌توانم واژه درستی برایش پیدا کنم. به‌نظر من این‌گونه رفتارها از بهر چیزی چنگ‌زدن برای دیده شدن می‌آید. در این بین گاه پیش می‌آید که بعضی از